

« سرهنگ شفیقی:

جرم قتل تابعی است از بقیه جرایم. هر وقت سایر جرایم در کشور بالا رفته آمار قتل نیز افزایش داشته است



« دکتر فروتن:

زندگی صنعتی نیز یکی از عوامل اصلی خشونت‌های خانوادگی و ناکامی هاست اما آنچه باید جدی گرفته شود بیماری‌های روانی جسمی است



« کامبیز نوروزی:

هر چند رئیس پلیس آگاهی کشور به عنوان یک منبع موثق، آمار قتل‌های خانوادگی را در صدر قتل‌های رخ داده در کشور اعلام کرده‌اند اما این موضوع در زمینه حقوق کیفری و مفاهیم آن بشدت اغتشاش مفهومی دارد



« دکتر قرایی مقدم:

باید گفت قتل‌های خانوادگی ریشه در مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، قضایی، رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای و خیلی مسائل دیگر دارد



«ایران» در میزگرد تخصصی با کارشناسان بررسی کرد

# قتل‌های خانوادگی؛ ریشه‌ها، روش‌ها و پیامدها



عکس: هاشم محمدی

**داریوش آرم‌ان – فرتان قلعه دار**

**آمارهای پلیس و دستگاه قضایی نشان می‌دهد قتل‌های خانوادگی در ایران، در صدر جنایت‌ها قرار دارد. به گفته سردار مقیمی – رئیس پلیس آگاهی کشور – ۳۱ درصد قربانیان از سوی بستگانشان به قتل رسیده‌اند که این آمار بالایی است. از سوی دیگر طبق آمار ارائه شده بیشترین روش ارتکاب قتل با سلاح سرد – ۳۷ درصد – بوده و ۳۵ درصد قربانی‌ها نیز با سلاح گرم به قتل رسیده‌اند که این رقم‌ها بشدت تکان‌دهنده و قابل تأمل است. هر چند بررسی دقیق یک پدیده نیازمند داشتن اطلاعات کامل و آمار دقیقی از آن است اما نمی‌توان منکر نقش و تأثیر برخی عوامل از جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی در بروز و افزایش این جرم شد. در همین زمینه گروه حوادث روزنامه ایران میزگردی با حضور دکتر امان‌الله قرایی مقدم – جامعه‌شناس – دکتر کامبیز نوروزی – حقوق‌دان – سرهنگ نصرالله شفیقی – رئیس سابق اداره قتل پلیس آگاهی تهران و دکتر مصطفی فروتن – روانشناس – برگزار کرد.**

مشکلات شدید مالی رو به رو بودند به حدی که چند ماه پس از عروسی به دلیل نداشتن پول، برق خانه‌شان را قطع کردند. مرد جوان به ناچار به اندازه پول برق از همسایه‌اش قرض گرفت تا صبح روز بعد قبض را بپردازد. از سوی دیگر همان شب زن به شوهرش می‌گوید هیچ غذایی در خانه نداریم که شام بخوریم. شوهر نیز به مغازه نزدیک خانه می‌رود و با بخشی از پولی که قرض گرفته بود کمی نان و پنیر و گوچه می‌خرد و به خانه برمی‌گردد اما سر سفره وقتی زن جوان از شوهرش می‌پرسد که پول این خوراکی‌ها را از کجا آوردی و شوهرش نیز می‌گوید از همان پول برق برداشتم. وی عصبانی می‌شود و با هم درگیری لفظی پیدا می‌کنند در همین حال ناگهان مرد جوان با همان پول برق برداشتم. وی عصبانی می‌شود و با هم درگیری لفظی پیدا می‌کنند در همین حال ناگهان مرد جوان با همان پول برق برداشتم. وی عصبانی می‌شود و با هم درگیری لفظی پیدا می‌کنند در همین حال ناگهان مرد جوان با همان پول برق برداشتم. وی عصبانی می‌شود و با هم درگیری لفظی پیدا می‌کنند

بعد از مدتی قاتل آزاد و پرونده بسته شد. سه سال از این قضیه گذشت. تا اینکه پرونده‌ای به کلانتری ارجاع شد مبنی بر اینکه در یک مراسم عروسی پدر داماد پس از خوردن یک لیوان نوشابه بلافاصله جان باخته است. می‌گویند هیچ غذایی در خانه نداریم که شام بخوریم. شوهر نیز به مغازه نزدیک خانه می‌رود و با بخشی از پولی که قرض گرفته بود کمی نان و پنیر و گوچه می‌خرد و به خانه برمی‌گردد اما سر سفره وقتی زن جوان از شوهرش می‌پرسد که پول این خوراکی‌ها را از کجا آوردی و شوهرش نیز می‌گوید از همان پول برق برداشتم. وی عصبانی می‌شود و با هم درگیری لفظی پیدا می‌کنند در همین حال ناگهان مرد جوان با همان پول برق برداشتم. وی عصبانی می‌شود و با هم درگیری لفظی پیدا می‌کنند

به وجود می‌آورد. اعلام خطر جدی ما این است که همه جرایم ناشی از عوامل اجتماعی است. وقتی آمار بیکاری بالا می‌رود یا مشکلات مالی فشار می‌آورد ناخودآگاه جرم ایجاد می‌شود. افلاطون می‌گوید: «شکم گرسنه چیزی را بر نمی‌تابد». صاحب‌نظرانی نظیر «کاردینر» و حتی خود بنده معتقد هستیم تمام روزی که بچه در شکم مادر ۲۸۴ ساعت چارچوب زندگی‌اش را در طول ۷۰ سال تشکیل می‌دهد. مردم هم این را می‌دانند بنابراین به خوردن لقمه حلال اعتقاد دارند. پس نمی‌توان انتقال صفات اکتسابی را از طریق زن مطرح کرد. در کل باید گفت قتل‌های خانوادگی ریشه در مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، قضایی، رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای و خیلی مسائل دیگر دارد. ارسطو می‌گوید: در هر ماده‌ای نیروی بالقوه وجود دارد و ما آن را به نیروی بالفعل درمی‌آوریم. حالا در بررسی پدیده وقوع جرم دو دسته نیرو داریم یک گروه نیروهای بازدارنده جرم هستند مانند خانواده، بیکاری، اعتیاد، بیسوادی، طلاق و... گروه دوم نیروهای بازدارنده هستند مثل پلیس، قوه قضائیه، زندان، اعدام، تعلیمات دینی و...

در کشور ما متأسفانه در حال حاضر نیروهای برانگیزنده بر نیروهای بازدارنده برتری دارد. در حالی که وقتی این فرد جانی است و این قتل علت ژنتیک داشت. پس این یک امر قطعی و مسلم است.

**دکتر قرایی مقدم:** بنده آن بخش از صحبت‌های جناب سرهنگ را که مربوط به تأثیر مشکلات اقتصادی و فرهنگی در قتل است می‌پذیرم اما موضوع فطری بودن جرم و وراثت را نمی‌توانم بپذیرم چرا که جرم را جامعه

منتقل می‌شود. یعنی اگر مادر عصبی باشد یا تحت فشارهای روحی باشد این مشکلات به فرزند منتقل می‌شود. البته موضوع دیگر در مورد قتل‌های خانوادگی بحث روابط نامشروع زوجین است که این هم ریشه فرهنگی و اجتماعی دارد که قابل بحث است.

**دکتر کامبیز نوروزی:** نخستین بحثی

که در اینجا به طور کامل مغفول مانده بحث وضعیت آماری قتل‌های خانوادگی است. جرم یک رفتار فردی است که داخل یک وضعیت اجتماعی اتفاق می‌افتد و در همه جوامع هم وجود دارد. اما زمانی این وضعیت بزهکارانه به یک پدیده اجتماعی بدل می‌شود. آنچه باعث می‌شود جرم به یک پدیده اجتماعی تبدیل شود یکی فراوانی جرم به نسبت جمعیت است و دیگری آهنگ رشد. از آنجا که در مورد قتل‌های خانوادگی این آمار را نداریم هر گونه بحثی در این مورد بی‌پایه است. متأسفانه سال‌هاست که قوه قضائیه و وزارت کشور از انتشار آمار مربوط به جرایم بشدت خودداری می‌کنند. آنها که سیاست محرمانگی این اطلاعات را دنبال می‌کنند باید بدانند لطمه بسیار بزرگی به مشارکت عمومی برای مبارزه

از سوی دیگر سه عامل نیز در این میان وجود دارد که یکی مسائل اجتماعی و فرهنگی است دیگری بررسی وضعیت خشونت کلامی در کل کشور است چرا که میزان خشونت جاری در زندگی اجتماعی بر الگوی انتخاب ما در رفتارهای فردی اثر دارد. و بالاخره بحث رژیم قانونی مجازات قتل عمد در ایران است.

**سرهنگ شفیقی:** پیرو صحبت‌های آقای دکتر نوروزی باید بگویم آمار جرایم در پلیس ناجا و آگاهی ناجا به شکل دقیق وجود دارد. این آمارها برای سیاستگذاری در پلیس آگاهی است و قرار نیست منتشر شود. وظایف هر تشکیلاتی هم مشخص است و درباره‌اش کار می‌کنند و بر اساس آن برای واحدهای کشف جرم سیاستگذاری می‌کنند.

**دکتر نوروزی:** بله من هم قبول دارم که آمار وجود دارد اما وقتی اعلام نمی‌شود چه فایده دارد. متأسفانه در این نه قوه قضائیه نه پلیس و نه وزارت کشور که سه دستگاه مهم مبارزه با جرم محسوب می‌شوند موضوعی به نام سیاست کیفری را اصلاً طرح نمی‌کنند. سیاست کیفری یعنی وقتی یک شهرک

طراحی می‌کنیم غیر از اینکه برایش خیابان و مغازه و مرکز درمانی و غیره در نظر می‌گیریم باید به این بیندیشیم که این ساختار شهری آیا اثری در کاهش و افزایش جرایم دارد؟

اشکال این است که تمامی ظرفیت کارشناسی روانشناسان و جرم‌شناسان و حقوقدانان ایران را به هیچ می‌انگارند. وقتی متخصصان امر فرآیند منحنی جرایم را در کشور ندانند پس نمی‌توانند نظر تخصصی هم بدهند.

**آقای دکتر فروتن جناب‌عالی از منظر روانشناسی این پدیده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

**دکتر فروتن:** از منظر روانشناسی باید بگویم چون در شرایط کنونی آمار برای تحلیل نداریم پس نمی‌توان نگاه مقایسه‌ای داشت. در مقوله خشونت‌ها بخصوص خشونت خانوادگی ما مبحث ناکامی را داریم یعنی ما یک دافعه درونی داریم یک جاذبه بیرونی با هر دو. به عنوان مثال بنده با همسرم داخل خانه مشکل دارم اما بیرون خبری نیست و کسی متوجه نمی‌شود اما حالت دوم برعکس است و در حالت سوم هم در داخل و هم در بیرون فرد مشکل دارد. این پیش فرض ما برای بروز ناکامی است.

البته زندگی صنعتی نیز یکی از عوامل اصلی خشونت‌های خانوادگی و ناکامی هاست که برای بررسی آن یک دسته‌بندی باید انجام دهیم. ۱- سخت افزاری ۲- نرم افزاری ۳- بیماری‌ها زندگی صنعتی باعث شده هر اتفاقی تابع اتفاق دیگری باشد. یعنی مشکلات امروزی ما بر اساس قانون انتقال پروژ می‌کند. از سوی دیگر تداخل فرهنگی نیز یکی از محصولات زندگی صنعتی است. افت محسوس کیفیت زندگی از دیگر مشکلات چنین زندگی است. گاه ما زن و شوهرهایی را می‌بینیم که به خاطر بیرون بردن زناله از خانه به پرداخت قبض تلشن با هم درگیر می‌شوند. از طرفی داشتن شغل، ضروری‌ترین اتفاقی است که در زندگی افراد می‌تواند تأثیر مثبت داشته باشد. عامل بعدی فقر و مشکلات اقتصادی است. ساعت کاری زیادتر از معمول و خستگی‌های ناشی از آن، اعتیادهای مدرن یعنی مواد مخدر یا مواد تحرک زا، گذار از زندگی سنتی به مدرن هم از دیگر محصولات صنعتی شدن زندگی است.

در مورد نرم افزارها نیز باید گفت باورهای غلط، خلأهای قانونی و ضعف‌های تابعه و نبودن مهارت‌های زندگی و نداشتن تعریف درست از موفقیت و البته ریختن قیچ یک عمل نیز از دیگر عوامل مؤثر در خشونت‌ها بخصوص از نوع خانوادگی است. اما آنچه باید جدی گرفته شود بیماری‌های روانی و جسمی است زیرا حقاتر‌ها و برخی بیماری‌های پنهان روحی و روانی گاه در شرایط خاص به گونه‌ای بروز می‌کند که منجر به بروز

قتل می‌شود. آموختن مهارت‌هایی مانند تاب‌آوری در زندگی، کنترل خشم، ارتباط مؤثر و قدرت حل مسأله از جمله راه‌های حل این مشکل است که نیازمند همکاری‌های فردی، اجتماعی و حاکمیتی است.

**■ جناب سرهنگ وقوع قتل‌های خانوادگی چه زمانی بیشتر رشد داشته است؟**

**شفیقی:** افزایش و کاهش آمار قتل به چند عامل بستگی دارد. وقتی جرایم اقتصادی افزایش می‌یابد آمار قتل هم افزایش می‌یابد. این آماری که ۲۰ ساله است که نشان می‌دهد در شهرویر و اسفند هر سال آمار کل جرایم افزایش می‌یابد. علتش این است که شهرویر به خاطر نزدیکی به باز شدن مدارس و دانشگاه‌ها و اسفند به خاطر نزدیکی به عید نوروز نیاز مالی افراد زیاد می‌شود پس نرخ جرایم نیز بالا می‌رود. اختلاف‌ها در خانواده بخصوص بین زوجین و والدین و فرزندان زیاد می‌شود. اما در ماه مبارک رمضان، ماه محرم و موافعی که بازی‌های جام جهانی فوتبال و المپیک و مسابقات هجیان انگیز ورزشی رخ می‌دهد آمار

جرایم کاهش می‌یابد. چرا که مردم سرگرمی دارند و البته اعتقادات دینی یکی از عوامل بازدارنده است.

**■ آیا وسیله قتل در قتل‌های خانوادگی متفاوت است؟**

**سرهنگ شفیقی:** شرایط قتل و آلت قتاله به شخصیت و جنسیت قاتل بستگی دارد. وقتی در یک خانواده که شامل زن، شوهر، فرزند و مادر شوهر است بر سر غذا یختن دعواایی رخ می‌دهد و عروس، مادر شوهرش را با گوشت کوب می‌کشد، یا وقتی پدري به خاطر اصرارهای پسرش برای خرید یک جفت کفش، از دم دست‌ترین وسیله یعنی کارد آشپزخانه استفاده می‌کند، می‌توان گفت نوع و وسیله قتل بستگی به شرایط زمانی و مکانی فرد دارد. ولی زنان به طور معمول از وسایل متفاوت ترن و البته شیوه‌های دیگری در قتل استفاده می‌کنند.

**■ فقر فرهنگی و اقتصادی در وقوع قتل‌های خانوادگی چه جایگاهی دارند؟**

**دکتر نوروزی:** بنده در سال‌های گذشته بر اساس اخبار رسانه‌ها یک کار پژوهشی درباره شوهرکشی‌هایی که از سال ۸۶ تا اوایل سال ۸۷ رخ داده بود انجام دادم. هر چند نیمه تمام ماند اما نتایج نشان می‌داد با وجود اینکه فقر فرهنگی و فقر اقتصادی و برخی دلایل دیگر در تمام قتل‌ها مشترک بود اما فقر فرهنگی و فقر اقتصادی در بیشتر مردم مقلد رفتار مجرمانه نیست. حتی فقر اقتصادی در برخی افراد باعث تلاش بیشتر می‌شود. اما سؤال این است که باید دید چه عوامل و شرایطی باعث می‌شود این موارد به قتل خانوادگی منجر شود؟ باید دید نسبت فقر فرهنگی با قتل خانوادگی چیست؟

**دکتر قرایی مقدم:** وقتی تجانس گروهی به هم می‌خورد تراکم جمعیت پیش می‌آید و تغییرات کمی منجر به تغییرات کیفی می‌شود. وقتی ترس از شناخته شدن کم شد پس افراد هر جرمی مرتکب می‌شوند و این در شهرهایی که از هر قوم و قبیله‌ای با آن مهاجرت کرده‌اند بیشتر دیده می‌شود. پس شهرهای کوچک را باید بیشتر کنترل کرد. طبق بررسی‌ها، بیشتر جرایم را مهاجران انجام می‌دهند. اما به یک نکته دیگر هم باید اشاره کرد و آن اعتقادات مذهبی، دین و نوع تربیت و پرورش افراد است که به عنوان یک نیروی بازدارنده عمل می‌کند و اجازه نمی‌دهد فرد مرتکب جرم شود. بنابراین در مجموع می‌توان گفت علل و عوامل متعددی در بروز قتل‌های خانوادگی مؤثر است که از آن جمله مشکلات اقتصادی، فرهنگی، نبود اعتقادات مذهبی، رسانه‌های مجازی، ماهواره‌ها، فساد و روابط نامشروع و بیماری‌های روحی و روانی پنهان و درمان نشده‌است که رفع این مشکلات نیز نیازمند همکاری حاکمیت و مردم است.